

ج. معرفی صفات و نعمات خداوند برای ایجاد معرفت نسبت به خدا

گفته اند آغاز دین، شناخت خداست. ایجاد شناخت در مرتبه‌ی درباره صفات و نعمات خداوند از اهدافی است که راه محبت خدا را مرحله به مرحله در دل مرتبه‌ی هموار می‌کند. درباره صفات خداوند در قرآن کریم آمده است: ﴿لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾ (حشر، ۲۴)؛ ﴿بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (انفال، ۷۵)؛ ﴿سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾ (حج، ۷۵)؛ ﴿وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ (یوسف، ۶۴)؛ ﴿عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره، ۲۰۰)؛ ﴿إِنَّ اللَّهَ يَرزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (آل عمران، ۳۷)؛ ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ (زمر، ۷)؛ ﴿فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَالْخَفَى﴾ (طه، ۷).

برای آشنا کردن مرتبه‌ی با صفات خدا، بهتر است از کلام خدا الگوگیری نماییم؛ چرا که خدای مهربان در مصحف شریف با ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ آغاز می‌کند و از صفت «رحمان» و «رحیم»

برای معرفی خویش بهره می‌گیرد؛ بنابراین ما نیز اولین صفتی را که به کودک می‌شناسانیم، مهربانی خداست.

اساساً نمادپردازی کودک درباره خدا و صفات او تنها فرآیندی شناختی نیست، بلکه بخش احساسی و هیجانی کودک را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. معرفی خداوند به عنوان موجودی که مهربان است، کودکان را دوست دارد، به خاطر کار خوب پاداش می‌دهد و به خاطر کار بد تنبیه می‌کند، توأم با احساسی نسبت به خداست که در همان کودکی نیز می‌توان ظهور آن را نشان داد (نوذری، ۱۳۹۰، ص ۲۲).

برای بیان صفت مهربانی خدا، می‌توان از یادآوری نعمت‌های خداوند بهره گرفت و این هدف را در نظر داشت که متربی به این فهم برسد که از مهربانی بی‌اندازه خدا به انسان است که تمام دنیا را مسخر او نمود. در قرآن کریم نیز بر این مطلب تأکید شده است: «آیا نمی‌بینی که خدا آنچه را در زمین است مسخر شما کرد و کشتی در دریا به فرمان او روان می‌شود و آسمان را نگاه می‌دارد تا بر زمین جز به دستور وی فرو نیفتد. خدا بر مردمان مهربان و بخشنده است» (حج، ۶۶ و ۶۵).

محبت والدین نسبت به فرزندان نیز راهی برای اثبات محبت خدا به بندگان است. با ابراز محبت به کودکان و تذکر به آنها که خدا شما را بیشتر از پدر و مادر دوست دارد. چراکه خدای مهربان مهر و محبت پدر و مادر را برای فرزند ایجاد کرده است. می‌توان محبت خدا را در وجود کودک نهادینه کرد.

در میان صفاتی که مطرح شد، به نظر می‌رسد که از صفت قادر بودن خداوند بیشتر می‌توان برای ایجاد محبت در کودکان بهره برد. کودکان پس از آشنایی با جهان خارج، همواره در پی یافتن جایگاه خود و امن بودن آن هستند. آن‌ها می‌خواهند بدانند چه کسی در مدرسه از همه قوی‌تر است. به همین دلیل مقایسه می‌کنند و در مدرسه به گروهی قوی می‌پیوندند و از آن احساس امنیت می‌گیرند. کم‌کم آن‌ها از خود خواهند پرسید چه کسی در جهان از همه قوی‌تر است.

طبق نظریه مازلو، نیازهای ایمنی‌جویی در انسان بعد از نیازهای فیزیولوژیک ایجاد می‌شود (مازلو، ۱۳۶۷، ص ۲۴۳). این‌که کودکان به دنبال منبع قدرت هستند، در حقیقت دنبال ایمنی‌جویی و اتصال به منبع قدرت می‌باشند. اگرچه معجزات خداوند اموری بسیار شگفت‌انگیز

هستند و می‌توان از آن‌ها برای شناخت قدرت لایزال خداوندی برای کودک بهره جست، اما اغلب رویدادهای به ظاهر عادی نیز معجزه‌ای هستند که با تکراری شدن به چشم نمی‌آیند. برای مثال، شب و روز، میوه‌های متنوع و رنگارنگ، خلقت یک نوزاد و صفت روزی‌دهندگی خداوند همگی از قدرت خداوند سخن می‌گویند: «به واقع در آسمان‌ها و زمین نشانه‌هایی برای مؤمنان است و در آفرینش شما و در جنبندگانی که روی زمین پراکنده‌اند... در پیایی آمدن شب و روز و در رزقی که خدا از آسمان فرو فرستاد و زمین را پس از مرگ آن زنده کرد و در وزش بادها از هر سو برای قومی که خرد خود را به کار اندازند، نشانه است. این‌ها همه نشانه‌های دانایی و توانایی خداست...» (جائیه، ۶-۳).

روش قرآن برای ایجاد شناخت به بندگان و پرورش خرد آنان، توصیه به ژرف‌نگری در آفریده‌های زمینی و آسمانی است. به این ترتیب، خرد انسان‌ها را با حقایق عینی خارجی، واقعیت‌های ملموس و تجربه عینی برمی‌انگیزد. در آموزه‌های ائمه علیهم‌السلام نیز شرح طبیعت بسیار دیده می‌شود؛ مانند آنچه که در طبیعیات نهج البلاغه و توحید مفضل و حدیث هلیله آمده است. حضرت علی علیه‌السلام در نهج البلاغه برای بیان قدرت خداوند از شگفتی‌های آفرینش بهره می‌گیرند؛ آنجا که از ظرافت‌های آفرینش خفاش، طاووس، مورچه و انواع پرندگان سخن می‌گوید، همه برای توجه دادن بندگان به قدرت و توانایی‌های خداوند در آفرینش است. (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۵۵ و ۱۶۵)

بنابراین، شناخت کودک نسبت به خدا به عنوان منبع قدرت، احساس نیاز به امنیت را تأمین می‌نماید و برایش آرامش ایجاد می‌کند. در نتیجه، این احساس آرامش تا بزرگسالی در کودک می‌ماند و او را انسانی آرام و کام‌یافته می‌سازد که در بحران‌های زندگی، منبع قدرت را حامی خویش می‌داند.

یادآوری و ذکر نعمت‌های الهی نیز از جمله شیوه‌هایی است که در ایجاد انگیزه برای توجه دادن فطرت پاک کودک به صاحب نعمت و سپاس‌گزاری از او بسیار مؤثر است. اگر کودک بیندیشد که خداوند است که نعمت هستی را به ما داده و در طول زندگی ما را از خطرهای رهانیده است، به خدا دل می‌بندد. ذکر نعمت‌ها می‌تواند زمینه بسیار مناسبی برای رشد و تعمیق بینش الهی کودکان باشد و در نتیجه، گرایش به صاحب نعمت و زمینه‌های شکرگزاری را در آنان ایجاد کند. به این ترتیب، محبت و خدا دوستی بروز می‌کند. با بیان آثار رحمت الهی و نعمت‌های الهی

و آکنده ساختن قلب و عقل کودک از این آثار، و نیز ذکر نعمت‌های بهشتی در آخرت، می‌توان سراسر وجود او را از این حب عاطفی سرشار ساخت. وقتی کودک بداند که مورد علاقه خداوند است و هدایای فراوانی از سوی خداوند - مانند پدر و مادر مهربان، دوستان خوب، بدن سالم و بانشاط و خوراکی‌های لذیذ و... - به او داده شده است، ارتباط بهتری با خدا برقرار کرده، زمینه اولیه شناخت بهتر خداوند در او شکل می‌گیرد: «اوست آن‌که ستارگان را برای شما قرار داد تا در تاریکی‌های خشکی و دریا به وسیله آن‌ها راه یابید؛ و اوست آن‌که شما را از یک نفس آفرید، زمانی که (در رحم مادر) قرار یافته و زمانی که (در صلب پدر) به ودیعه نهاده، و اوست آن‌که از آسمان باران فرستاد، پس با آن باران روییدنی‌ها را رویانیدیم و سبزه‌ها را با دانه‌هایی برهم سوار از زمین برآوردیم. و از شکوفه خرما خوشه‌های نزدیک به هم و باغ‌هایی از گونه‌های انگور و زیتون و انار همانند یکدیگر و غیر همانند؛ به آن میوه‌ها در آن هنگام که بار می‌آورد، بنگرید و به رسیدن آن‌ها؛ همانا در این کار، ای انسان‌ها، نشانه‌هایی است برای مردمانی که بگردند» (انعام، ۹۹-۹۷). آیات ۲۳۱ سوره بقره، ۱۰۳ سوره آل عمران، ۶۹ و ۷۴ سوره اعراف، ۳ سوره فاطر و ۲۰ سوره لقمان نیز به یادآوری نعمت‌های خداوند پرداخته است. در دعاها و نیایش‌های ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز ذکر نعمت‌ها و الطاف خداوندی بسیار به چشم می‌خورند؛ برای نمونه دعای عرفه امام حسین علیه‌السلام الگوی کاملی برای تذکر و یادآوری نعمت‌های خداوند است. در روایات زیادی نیز به این هدف توجه داده شده است؛ چنان‌که در روایتی آمده است که خداوند متعال به حضرت موسی علیه‌السلام وحی فرستاد: «مردم را به من علاقه‌مند کن و آنان را نیز نزد من محبوب ساز. عرض نمود چگونه؟ وحی آمد: نعمت‌های مرا برای آنان بازگو کن، آنان خود عاشق من خواهند شد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ح ۶، ص ۴).

در این صورت، کودک با عشق درونی به احکام و تکالیف الهی عمل می‌کند. برای رسیدن به این هدف، ضروری است که از نعمت‌ها، مهربانی‌ها، بخشندگی و توجه خاص خداوند به بندگانش سخن بگوییم و او را بهترین دوست انسان‌ها معرفی کنیم.

همه اسباب محبت به خدا در خداوند مهربان جمع است؛ زیرا حب ذات در انسان، ما را به وجود واجب‌الوجودی می‌رساند که پرتوی از نور او محسوب می‌شویم و بقای ما هم به دست اوست. ضمن آن‌که همه نعمت‌ها و لذاتی که به ما می‌رسد، بی‌هیچ منت و درخواستی از جود و کرم ذات باری تعالی است. چه صاحب نعمتی را می‌توان با خدا مقایسه کرد که از همه حساب

و کتاب دنیایی مبراست. انسان فطرتاً کمال‌گراست و در باطن خویش حضور مطلق بی‌نقص را شهود می‌کند و به دنبال کمال مطلق است که تناسب روحش با کمال را مکاشفه می‌نماید؛ چرا که ﴿نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي﴾ از جانب کمال مطلق است. پس هر چه از جمال و زیبایی و حسن و کمال است، ذره‌ای از پرتو حسن و جمال و کمال نامتناهی خداست. بنابراین، با ذکر صفات و نشانه‌ها و آیات خداوندی در طبیعت، می‌توان برای ایجاد محبت خدا در دل متربی بهره گرفت.